آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

۱۳۷۲/۱۰/۲۷

نام کتاب: تحفة الملوک فی السیر والسلوک

مؤلف متن: سید مهدی بحر العلوم — محشی

شارح — مترجم: خط جنبع

تاریخ تحریر: قرن ۱۴ — نوع خط: نسخ — تعداد سطر: ۲۰

جزء کتب: عربی — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۱۹

طول: ۲۱/۵ — عرض: ۱۷/۵ — شماره عمومی: ۲۱۵۲۲

وقفی / خریداری — تاریخ — وقف / خریداری: خرداد ۱۳۷۲

ملاحظات

۷۲/۱۰/۱۷

کاتب به شرح سایر نسخ حسینی با خط ... کتابت و صفات خود را تصحیح نموده است

باز بین شد ۱۳۷۱ ش

ولم یأخذ ...

وتأویل ...

وهم چنانکه مدت تکمیل طبیعت در این بدن است هم چنین مرتبهٔ سعادت و شقاوت و از این جهت است که در حدیث وارد است

که روی هر کس که در مجلسالکی سفید نشد شیطان مسح میکند وجه او را و میگوید بابی وامی وجها لا یفلح ابدا گو میگوید

روی ان الامامة فی اکبر من ولد الامام اذا مضی وان الخبر الذی روی عن
الصادق علیه السلام ان الامامة لا تکون فی اخوین بعد الحسن والحسین
علیهما السلام صحیح لا یجوز غیره وانما ذلک اذا کان للماضی خلف من صلبه
فانها لا تخرج منه الی اخیه بل تثبت فی خلفه واذا توفی ولا خلف له رجعت
الی اخیه ضرورة لان هذا معنی الحدیث الذی روی ان الامام لا یغسله الا
الامام وان هذا عندهم صحیح لا یجوز غیره واقروا ان جعفر بن محمد غسله موسی
وادعوا ان عبد الله امره بذلک لانه کان الامام من بعده وانه جاز ان یغسله
موسی لانه امام صامت فی حضرة عبد الله فهؤلاء الفطحیة الخلص الذین
یجیزون الامامة فی اخوین اذا لم یکن الاکبر منهما خلف ولدا والامام عندهم جعفر
بن علی علی هذا التاویل ضرورة وعلی هذه الاخبار والمعانی التی وصفناها
تم الکتاب وکانت النسخة سقیمة جدا من مستملکات سیدنا الشریف الطاهر علم الهدی
الکابلی ادام الله برکاته وکان الفراغ من تحریره ضحوة الجمعة لایام تعین من
من ربیع الاول ۱۳۲۹ بمدرسة الفیضیه
تجاه الروضة الفاطمیة تعم وانا
العبد شهاب الدین
المدعو بالنجفی
الحسینی
المرعشی

لا یغسله / عندهم وکذلک قالوا فی الحدیث

بلغ مقابلة ... الحسینی ... ۱۳۲۹ ... المرعشی

بسم الله الرحمن الرحیم
لما انتقل هذا الکتاب فرق الشیعة هدیة الی من جناب کاتبه العلامة ادام الله ایامه فوجدته سقیما غایة وفقنی الله لتصحیحه مع نسخة صحیحة مصححة الصحة فقابلته وصححته معها من اوله الی آخره فصار بحمد الله تعالی صحیحا مصححا ما زاغ البصر عنه وسهی النظر عنه والحمد لله رب العالمین وذا فی جمادی الاولی ۱۳۶۳
الاحقر مصطفی الصفائی الخوانساری

روی ان الامامة فی الاکبر من ولد الامام اذا مضی ولان الخبر الذی روی عن
الصادق علیه السلام ان الامامة لا تکون فی اخوین بعد الحسن والحسین
علیهما السلام صحیح لا یجوز غیره وانما ذلک اذا کان للماضی خلف من صلبه
فانها لا تخرج منه الی اخیه بل تثبت فی خلفه واذا توفی ولا خلف له رجعت
الی اخیه ضرورة لان هذا معنی الحدیث الذی روی ان الامام لا یغسله الا
الامام ولان هذا عندهم صحیح لا یجوز غیره واقروا ان جعفر بن محمد غسله موسی
وادعوا ان عبد الله امره بذلک لانه کان الامام من بعده ولان جاز ان یغسله
موسی لانه امام صامت فی حضرة عبد الله فهؤلاء الفطحیة الخلص الذین
یجیزون الامامة فی اخوین اذا لم یکن الاکبر منهما خلف ولدا والامام عندهم جعفر
بن علی علی هذا التاویل ضرورة وعلی هذه الاخبار والمعانی التی وصفناها

لا یغسله الا عندهم وکذلک قالوا فی الحدیث

تم الکتاب وکانت النسخة سقیمة جدا من نسخة سیدنا الشریف الطاهر علم الهدی
الکابلی ادام الله برکاته وکان الفراغ من تحریره ضحوة الجمعة لایام بقین من
من ربیع الاول سنة ۱۳۴۹ بمدرسة الفیضیة
تجاه الروضة الفاطمیة بقم وانا
العبد شهاب الدین
المدعو بالنجفی
الحسینی
المرعشی
عفی عنه

بلغ مقابلة مع الاصل الذی بخط المرزا حسن الطهرانی ... یوم الجمعة غرة جمادی الثانیة سنة ۱۳۴۹ وانا الاحقر شهاب الدین الحسینی

بسم الله الرحمن الرحیم
لما اشتمل هذا الکتاب فرق الشیعة هدیة الی من
جناب کاتبه العلامة ادام الله ایامه فوجدته سقیما
وفقنی الله لتصحیحه مع نسخة صحیحة مصححة غایة
الصحة فقابلته وصححته معها من اوله الی
آخره فصار بحمد الله تعالی صحیحا مصححا الا
ما زاغ البصر عنه وسهی النظر منه والحمد لله
رب العالمین وذا فی ... ۱۳۶۳
الاحقر مصطفی الصفائی الحسینی الخوانساری

باز بین شد
۱۳۷۱ش

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب معلنا وسیدنا آقا سید محمد طباطبائی نجفی مشهور به بحر العلوم میفرماید الحمد والثناء لمعین الوجود
والصلوة علی واقف مواقف الشهود وعلی آله امناء المعبود وبعد ای عزیز سفر از ملک سعادت وصفا وای رفیقان
راه خلوص و وفا امکثوا انی آنست نارا لعلی آتیکم منها بخبر او جذوة من النار لعلکم تصطلون بطرق عدیده از سید رسل
وهادی سبل مروی است که من اخلص لله اربعین صباحا ظهرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه عبارت حدیث اگر چه بتلفیق
وارد شده است و معانی او محقق است خود بعیان دیده ام و ببیان دانسته ام که این مرحله شریفه منزلی از منازل عدد اخاصی صیقلی
است خاص و تأثیری بخصوص در ظهور استعداد است و تتمیم ملکات بدلی چنانکه و قطع مراحل و منازل راه اگر چه
بسیار باشد ولکن بر هر منزل مقصد بیست و مراحل اگر چه بیشمار باشد چون باین مرحله داخل شدی اتمام عالمی است
تخمیر طینت آدم ابو البشر بید قدرت الهیة در چهل صباح اتمام پذیرفت و خمرت طینة آدم بیدی اربعین صباحا و در
این عدد عالمی از عوالم استعداد را طی کرده و بروایتی چهل سال جسد آدم در میان مکه و مدینه افتاده بود و باران رحمت
الهیة بر آن میبارید تا در این عدد قابل تعلق روح قدسی شد و میقات موسی بن عمران در اربعین لیلة تمام شد و قوم
او العجل را در اربعین سنة از تیه خلاص کرده خاتم الانبیاء محمد (ص) بعد از چهل سال که بحد ... خود خلعت نبوت
بپوشانیدند و زمان مسافرت عالم دنیا و غایت ظهور استعداد و نهایت تکمیل بدن این عالم در چهل سال است چنانچه
وارد است که عقل انسان در چهل سال بقدر استعداد هر کس کمال میپذیرد و بعد از نمو و دخول او در این عالم واقف است
و چون چهل سال تمام شد سفر عالم طبیعت تمام است و ابتدای مسافرت بعالم آخرت است و هر روز و هر سال جزئی از اسباب
بار سفر آخرت می بندد و از این عالم رحلت میکند قوت و سال بسال در کاهیدن است و نور بصر و سمع در نقصان است قوای مادیة در انحطاط
و بدن در زبون است چه مدت سفر و اقامه او در این عالم در چهل سال تمام شد و از این است که وارد شده من بلغ اربعین سنة
ولم یأخذ العصی فقد عصی چه عصا علامت سفر است و مسافر را برداشتن عصا مندوبست چون چهل سال تمام شد هنگام سفر است
و تأویل عصا مهیا ساختن از برای سفر آخرت است و جمع کردن خود از برای رحلت و هر که عصا برنداشت از فکر سفر غافل است
و هم چنانکه مدت تکمیل طبیعت در این سن است هم چنین مرتبه سعادت و شقاوت و از این جهت است که در حدیث وارد است
که روی هر کس که در چهل سالگی سفید نشد شیطان مسح میکند وجه او را و میگوید بابی وامی وجها لا یفلح ابدا و میگوید

پس بطرق متعدده دوازده سلوک نمودم مجاهده اکبر و اعظم وارده قدم در وادی ذکر ابتدا نمودم و مرکب آمدم
و از آن قصد تعبیه میگردم وتر نوافل صلوات و صوم نمودم و در اربعینیات سر بجیب تفکر فرو بردم و در اربعین نیز اربعینی قرار دادم
و در ذکر خیالی مراسم الحی آموختند و در اربعینات متعدده آن را بسر بردم پس بسیاری افکار رو داختم و در هر اربعینی
غسل توبه کردم و ترک دخلی ولذتی بحفظ نفس کردم و از او وداع آخرین نمودم و هر روز سیدی از سادات خود را
در نظر گرفتم و او را بزیارتی که خود انتخاب کردم زیارت نمودم و مبدع آن از روز شنبه گرفتم چون حدیثی در این
باب دیدم و دو رکعت نماز هدیه بروح مقدس او نمودم و بدان توسل جستم دست بدامان ولی نعمت زده با و متوسل
شدم و زیارت و ادعیه که در آن روز بجهت توسل با و رسیده خواندم و هر روز جمعه هزار صلوات فرستادم و اوراد
من در این ایام بر دو گونه بود اول وظیفه هر روز و از این طریق بود که اسمی را در اسحار صد نوبت بعد از دو رکعت
نماز باید دستها را بسوی آسمان بر داشتن یا حی یا قیوم یا من لا اله الا انت برحمتک استغیث و با این نیت و فرض
صبح چهل نوبت یا احد یا صمد بعد از فرائض بعدد صد و نود و نه ١٩٩ مجمل یا مفضل ٣٢٩ یا علی بعدد دل در اسحار و بعد از فریضه صبح
بیست و دو ٢٢ نوبت الله در اسحار بعدد کبیر یا امکان یا نور یا قدوس بعدد مجمل ٣٦٨ دو تم آنچه در این مدت تمام مُنذ ابتدا
از صبح ذکر رب انی مسنی الضر و انت ارحم الراحمین اربعینی بعدد مجمل لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین
اربعینی بعدد مجمل یا هادی اربعینی هر روز پنج هزار مرتبه و در آخر روز صد مرتبه یا هادی المضلین ٢٣٤٦ یا فتاح هجده روز
هشت هزار هفتصد نود نه مرتبه یا بصیر ٨٨٢٥ اربعینی هر شب هشت هزار هشتصد بیست پنج مرتبه یا علی ٨٧٩٩ اربعینی هر
روز بعد از فریضه هزار سیصد سی مرتبه و غسل هر روز با امکان و آیة الکرسی بعد از هر فریضه ١٣٣٠ هزار سیصد سی ١٣٣٠
مرتبه نفی و اثبات مرکب و بسیط و الله و هو و سوره توحید و اعلا هر یک هزار ده و اربعینی در اسحار یا سبوح
یا قدوس شش اربعین هر روز دو هزار هشتصد هفتاد ٢٨٧٠ مرتبه از شرائط غسل هر روزه با امکان
رحمت و جوع یا حنان یا منان صد هشت روز دوازده هزار مرتبه شرط تولد حیوانی بلکه در چهل
روز قبل از آن هم یا دیان هفتاد روز هر روز پنج هزار مرتبه یا کبیر سه اربعین هر شبانه روز هزار
چهار صد شصت شش مرتبه و در اربعین آخر ترک حیوانی و هر روز هر قدر که ممکن باشد میشود و
اگر هفتاد هزار ممکن شود بهتر یا نور و چهل روز بعد از خواندن هفت مرتبه سوره نور به عدد

یکی

٦٠

کبیره و در شبها نیز سوره با این عدد ابتدا از شنبه یا حی یا قیوم صد هشتاد روز از سحر تا طلوع
صبح یا از طلوع تا استواء هر روز سی هزار هشتصد یا نوزده مرتبه یا مهیمن یک اربعین یا ودود
اربعین هر روز هزار چهل نوبت با غسل قبل از تکلم الله اربعین هر روز بقدر امکان با وسعت
بشرط صوم و ترک نوم الا به اختیار و باید هر زه اظهار و ریا ها و اسکات شود بعد با این ذکر مداومت
و من چنین تمام کردم و لیکن جمع بعضی از این اوراد با یکدیگر در ایام اربعین با امکان جایز و تضعیف
مدت در یکی از آنها مجوز و در همه این اوراد اربعینیه خلوت و تعطیل و اجتناب از مقولات کریهه
الروائح و افتتاح و اختتام باین صلوة لازمست اللهم صل علی المصطفی محمد و المرتضی علی و البتول فاطمة و
السبطین الحسن و الحسین و صل علی زین العباد علی و الباقر محمد و الصادق جعفر و الکاظم موسی و الرضا
علی و التقی محمد و النقی علی و الزکی العسکری الحسن و صل علی الامام الهادی المهدی صاحب الامر و العصر
و الزمان و خلیفة الرحمن و قاطع البرهان و سید الانس و الجان صلوات الله علیه و علیهم اجمعین بدانکه
اصل عمل مرا بابتدا ذکر است و اوراد از اعوان و متممات است پس بعضی از آنها محظور نداشت
و در این ایام در حالت فراغت بمناجات علویه و سجادیه اشتغال داشتم و با مامی مبارکه آل
اطهار و صحابه کبار رسول مختار و ارکان اربعه ملائکه کرام و انبیاء عظام و مشایخ شریعت
و استادان طریقت تبرک جستم و اکثر ایام بر ایشان به تفصیل رحمت فرستادم و سلام کردم و
از بواطن ایشان همت طلبیدم تا سخن کوته هر نوبتی اربعینیات را بطریق مذکور بقدر امکان
بسر بردم و توفیق بدان شروع کردم و اوراد اربعینیه را کلمات ادریس قرار دادم به ترتیب
و شرایط و آداب و مقدار و اوقات چنانچه در ترجمه رساله بزرگوار سید بن طاوس که
در این خصوص است نوشته و مذکور است و در مبادی اربعینیات قول بذکر و الهکم الله
واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم هزار هشت نوبت در یک مجلس اشتغال نمودم و چند دفعه
او را بجا آوردم در مدت سه اربعین چهل هزار مرتبه سوره و العادیات را خواندم
و در این سه اربعین در عقب هر فریضه صد مرتبه سوره فاتحه را خواندم و فایده کلیه

ای سبب دفع عوائق دنیویه است و گاه گاه بروحانیت عطارد متوسل شدم واز آن استمداد همت میکردم

چه اهل اسرار از روحانیت آن مدد میرسد چنانچه بعد از غروب آفتاب یا پیش از طلوع در هنگامی که توان

عطارد را دید بآن نظر کند پس از سلام بآن کامی عقب دو دو بار پس نهد و بگوید عطارد ایم الله

طال تحبی صبا حامساء ان لم تغثنا فانی انت کامی دیگر پس نهد و گوید وها انا فامنحنی قوی ادراک الملی

بدرک العلوم الغامضات تکرما پس کامی پس نهد و بگوید وها انا اجد لی الخیر والسعد کله وان

تلق الحظور والشر کله بامر ملیک خالق الارض والسماء وتکرار این عمل در مبادی امر مطلوب است

وامکنه شریفه و مساجد کریمه و مشاهد عالیه را در استعداد فیوضات مدخلیتی تام است والحق

اهل حال را در یکی از اماکن مکرمه بابی فیض کشوده شده سیّد بزرگوار گوید مرا در سُرّ من رای از فیض

آن محل حالتی حاصل شد که ورای مرتبه شرح است و الحق مقر او در ایوانی بود که محاذی در مقدس بود

وسیّد خود بعد از آن در آنجا مسجدی عظیم بنا نهاده والحال هم عبد ابن طاوس مشهور است والیوم

از بناهای آن بزرگوار باقی نیست والسلام علی من اتبع الهدی

بسم الله الرحمن الرحیم

سپاس بی قیاس لایق خالقی است که محبان آگاه و مخلصان درگاه را با مشارت بابشارت اولئک المقربون

بنوازد و ستایش با آرایش در خور قاهری است که طاغیان کمراه و یاغیان روزگار تباه را با آتش تعبید یلعنهم الله و

یلعنهم اللاعنون بگدازد کریمی که خلعت جود بر هر موجودی از آثار وجود او است (سپاس شکی بشمار امیر

چه لا احصی ثنا گوید پیمبر) و بعد از ستایش الهی درود نامتناهی نثار بارگاه رسالت پناهی است که هادی

راه الاتعبدوا الا ایاه و سلطان من یطع الله و عذرخواه گناه هر نامه سیاه است (نظم در صدر حشمتش همین عار او مست

کو خواجه ی که سفینش غلامست) صلی الله علیه و آله و عترته المعصومین اما بعد چنین گوید اقل عباد الله

محمد بن ابیطالب الاسترابادی اسقاه الله من کاس فیضه من ابیات التحقیق و اعانه بفضله لکل خیر باحسن

التوفیق که چون بعنایت الهی آفتاب عالمتاب طلعت شاهی از افق علوی و سپهر موسوی شرف

طلوع یافت و دیده ی ملک فقیر مال دو سهیل سماء عزت و جلال از مشرق اعتدال و از مطلع شوکت

و عظمت و اقبال بروی مفارق جهانیان تابنده و درخشنده شد و خاکدان ظلمانی و عالم جسمانی و

روحانی عالمیان

ربای س…

و جاهدوا فی الله حق جهاده …

حسبنا الله و نعم الوکیل در معرکه جاهد الوکیل …

مخالفان روان سر بریده که فروزان ملت نبوی و مغز آن …

یضلل الله فلا هادی له علم اضلال و اغوای افراشتند و ایذاء آزار شیعه …

مر سانیدند همه را بتیغ بران و ما النصر الا من عند الله عقر آن المنافقین فی الدرک الاسفل من

واصل کردانید چنانکه یکی از اهل شقاق و نفاق در بلاد خراسان دعوی نام و نشان نداردامید

که در سایر بلاد بنصرة رب العالمین بر این منوال استیصال یابند بیت دارم امید انکه زند عنقریب شاه

بر تخت روم و ملک سمرقند بار کاه پس بمقتضای واشکروا نعمت الله بر کافه اهل ایمان و دوستان و احباب

شکر این نعمت عظمی و حمد این عطیه کبری واجب و لازم شد شکر الهذه النعمة و ذخرا لیوم الحساب قدس ما

معلی جناب علامة العالم الشیعة و مقرر الشریعة محقق القوانین الشرعیة و مستنبط الفوائد العرفیه خاتم المجتهدین

و وارث الانبیاء والمرسلین المؤید بالنفس القدسیه من عند الله المتعال الشیخ الاجل علی بن عبد العال زین الاسلام

بیقاء فیضه و فضله و افضاله قد تشهیر و ترویج لعن دونان و ملعونان که از روی خلاف بر تخت

خلافت نشستند و از سر نفاق کمر عداوت اهل البیت بر میان بستند مختوم مد للهم و رساله خاص

از خلال التیف تحریر فرموده امید که اصحاب صواب باستماع سوخ و ثبات و ارباب عناد را توفیق

هدایت و نجات کردد اما چون مختصر مذکور بلغت عربی بود و اصحاب و اخوان که فارسی زبانند

از و محظوظ بهره مند نبودند باشاره علیه بعضی از اکابر ابرار و ارباب اختیار و خلاصه اولاد

سیّد مختار و احفاد حیدر کرار بترجمه زبده آن اشتغال رفت امید که بنظر اهل قبول

ترجمه کتاب نفحات اللاهوت فی لعن الجبت والطاغوت للمحقق الكركي صاحب جامع المقاصد